## اخبار کوتاه

### چرا مورینیو با تیم‌های بزرگ قهرمان نمی‌شود؟

کریس واکس

منچستریونایتد سه‌شنبه شب بعد از ۶۴۴ روز دوری از لیگ قهرمانان دوباره در این تورنمنت حاضر می‌شود، آن هم در حالی که تیم قدرت همیشگی را ندارد، اما انتظارات به اندازه همیشه از آن بالا است. و بعد از ۶۴۳ روز که خود ژوزه مورینیو هم در این مسابقات به دور بوده است، حالا چیزهایی برای ثابت کردن دارد.

در دسامبر ۲۰۱۵ به فاصله ۲۴ ساعت قبل از حذف یونایتد توسط ووفسبورگ مورینیو با چلسی در اروپا و مقابل پورتو بازی کرد تا تیمش راهی یک هشتم نهایی شود، اما عملکرد تیم او در لیگ قهرمانان نتنوانست مانع از اخراج شدنش شود. مخصوصا که تیمش در لیگ برتر در منطقه خطر سقوط قرار داشت.

این آخرین قسمت از حضور سرمربی پرتغالی در اروپا بود. اما او در سال ۲۰۰۴ و با قهرمان کردن پورتو توانسته بود «آقای خاص» شود و ۶ سال بعد اینتر را به قهرمانی رساند، آن هم در شرایطی که اصلا انتظار نمی‌رفت هیچ یک از این تیم‌ها موفق باشند. او در ۸ فصل کامل حضور در چلسی و رئال مادرید نتوانست قهرمان این رقابت‌ها شود.

خود او ناکامی در آن تیم‌ها را بدشانسی دانسته است، از گل‌های قبول نشده تا داوری ایراددار و .... بهانه‌های او برای موفق نشدنش بود. او در ۵ فصل حضور در چلسی ۳ بار در نیمه نهایی حذف شد و در ۳ دوره حضور در مادرید در ۳ نیمه نهایی.

بن هیوارد، کارشناس فوتبال اسپانیا فعال در سایت گل درباره او می‌گوید:«مورینیو در رئال مادرید قهرمان لیگ قهرمانان نشد، اما کیفیت بازی این تیم را بالا برد و توانست ۳ بار این تیم را به نیمه نهایی لیگ قهرمانان برساند. آن هم بعد از ۶ دوره که باشگاه در رسیدن به مرحله یک چهارم نهایی ناکام بود. سخت است که باور کنیم بدون زیرساخت‌های مورینیو در رئال این تیم می‌توانست به ۳ قهرمانی اخیر برسد»

نیزار کینسلا، کارشناس فوتبال لیگ برتر و نویسنده اخبار چلسی سایت گل هم می‌گوید:«مورینیو در اولین دوره حضور در چلسی خوب بود و توانست تیم را به قهرمانی لیگ و نیمه نهایی لیگ قهرمانان برساند. بارسلونا و بایرن مونیخ را در دو بازی مهیج حذفی پشت سر گذاشت و توسط لیورپول حذف شد»

مطمئنا مورینیو در هیچ یک از این دو باشگاه ناموفق نبود. اما در رسیدن به موفقیت در لیگ قهرمانان کم آورد. در مادرید او با چند بازیکن در رختکن مشکل داشت و بعد هم با سران تیم و داوران و ... در چلسی رابطه بد پیدا کرد.

به نظر در باشگاه‌هایی که بزرگ‌تر هستند یا سران آن دخالت بیشتری در امور دارند، مورینیو موفق نیست چون نمی‌تواند شخصا کنترل امور را به دست بگیرد. به همین دلیل هم دورانی موفق در پرتغال و ایتالیا داشت.

حالا او با منچستریونایتدی دوباره وارد این رقابت‌ها شده که هوادارانش توقعات زیادی دارند و از تیمشان قهرمان می‌خواهند. آن‌ها از طولانی شدن غیبتشان در لیگ قهرمانان خسته شدند و تحمل ناکامی را ندارند. اما توجه به تیم مورینیو نتایج خوبی ندارد و نکاتی وجود دارد که نشان می‌دهد او و تیمش در این دوره از مسابقات نتیجه‌ای نخواهند گرفت.

منچستریونایتد تیمی است که نسبت به دیگر تیم‌ها با پایین‌ترین رتبه در جدول رده‌بندی لیگ کشورش وارد این مسابقات شده است، همچنین مدت‌هاست که از لیگ قهرمانان دور هستند و به اندازه تیم‌های دیگر با شرایط این تورنمنت آشنایی ندارند.

البته که او باید درک کند منچستریونایتد چه تیمی است و همیشه از این تیم در هر شرایطی که باشد انتظارات زیاد است. این تیم در هر شرایطی و وارد هر تورنمنتی که شود یکی از گزینه‌های رسیدن به موفقیت است. این باشگاه پر از افراد پرقدرت است که مورینیو باید برای کنار زدن آن‌ها و به دست گرفتن کنترل اوضاع، جسارت خوبی داشته باشد. کاری که هنوز در لیگ قهرمانان نتوانسته انجام دهد و اگر موفق شود برای اولین بار در دوران مربی‌گری به این دستاورد رسیده است.

### دلیل اخراج دبوئر: شکست مقابل تیم‌هایی خاص

جیمی کرگر

کریستال پالاس بعد از ۷۷ روز همکاری با سرمربی اسبق آژاکس، فرانک دبوئر، او را اخراج کرد و قرار است روی هاجسون در سلهورست پارک جانشین او شود.

به نظر من آن‌ها می‌توانستند او را نگه دارند، اما تصمیم گیرنده مالکان امریکایی بودند و تصمیمشان هم این بود. ترس زیادی داشتند و دلیل اصلی‌اش هم مشکلات فصل گذشته‌شان بود. فصل گذشته آن‌ها مجبور بودند تغییراتی انجام دهند و سم آلاردایس را آوردند.

حالا با سرمایه‌گذاری‌هایی که کردند و همچنین با سرمایه‌گذاری‌هایی که در باقی تیم‌های لیگ برتر شده، فشار زیاد است. لیگ برتر با پول به این جایی که هست رسیده است و همه انگلیسی‌ها هم این را دوست دارند. اما در این لیگ همیشه عملکرد مربیان هم مهم بوده است و نکته‌ای که اهمیتی ویژه دارد این است که آن‌ها چطور با بازیکنان جوان رفتار می‌کنند و چقدر می‌توانند باعث پیشرفت آن‌ها شوند.

در حال حاضر هیچ مربی‌ای روی جذب بازیکنان جوان ریسک نکرده است و این که مربیان می‌دانند ممکن است بعد از تنها ۴ یا ۵ بازی کارشان را از دست بدهند، خب طبیعی است که ریسک نمی‌کنند.

همه این را فهمیده‌اند و دبوئر متوجه نبود چون در لاین لیگ تازه وارد بود. کمی زمان لازم داشت تا با جو لیگ آشنا شود، او هنوز هیچ چیز از لیگ جزیره نمی‌داند. از طرفی بازیکنانی داشت که هر سال برای ماندن و سقوط نکردن می‌جنگیدند.

البته اعتقاد من این است که اخراج دبوئر به خاطر شکست در ۴ بازی پشت سر هم نبود، بلکه مشکل ۴ تیمی بودند که او مقابلشان شکست خورد. او در بازی بیرون از خانه مقابل لیورپول شکست خورد که چیز عجیبی نیست، در آن بازی حتی کریستال پالاس بهترین عملکرد از دوران روی کار آمدن او را هم ارائه کرد. به غیر از آن اما شکست‌های دیگر باعث آزار مالکان تیم شد و همین موضوع باعث اخراجش شد.

### Q&A هفتگی ؛ چرا رئال دیبالا را نخرید؟

گیوم بلگه، کارشناس اسکای اسپورتس در جلسه سوال و جواب هفتگی توئیتری کاربران این سایت شرکت کرده و به برخی از سوالات پاسخ داده که در زیر به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

دیگو سیمئونه قراردادش را تمدید کرده است، به نظرت او مطمئن است که می‌تواند قهرمان لیگ قهرمانان یا لیگ شود؟

برای سیمئونه این هدف نهایی نیست. او می‌خواهد تا جایی که ممکن است تیم با او پیشرفت کند و تشخیص داده که می‌تواند باعث این اتفاق شود. تیم او تیم جوانی است، می‌بیند که همه بازیکنانش تشنه موفقیت هستند و این را هم دیده که باشگاه مطالباتش را برآورده کرده است، حتی جذب دیگو کاستا را. چیزهایی است که باعث شده او تصمیم بگیرد بماند. برای او پایان راه مهم نیست، خود راه مهم است.

چرا رئال مادرید بازیکنی مانند پائولو دیبالا را نخرید؟

به نظر من رئال به یک مهاجم نیاز دارد، اما نه به بزرگی دیبالا. آسنسیو عالی کار می‌کند و با این شرایط آن‌ها واقعا نیاز به دیبالا ندارند. بارسلونا بیشتر به دیبالا نیاز داشت، اما این تیم هم نمی‌خواست پولش را برای هر بازیکنی خرج کند و اگر بارسا بیشتر خرج می‌کرد باشگاهشان از نظر اقتصادی دچار بحران می‌شد. این طور که پیداست این تیم مشکل مالی دارد و تمدید قرارداد مسی و اینیستا و دستمزد بازیکنان هم به این تیم فشار آورده است.

از حالا به بعد مسی برای همیشه به عنوان ۹ کاذب در بارسا بازی می‌کند؟

مسی هرجا که تیم به او نیاز داشته باشد بازی می‌کند، در دو فصل اخیر او بیشتر در کناره‌ها بوده و از سمت چپ به مرکز متمرکز می‌شده است، اما حالا بیشتر تمرکزش روی مرکز است. او احساس می‌کند مخصوصا در شرایطی که اینیستا در تیم است، نیازی نیست که او عقب برود و این باعث شده بیشتر در یک سوم حریف باشد و بهتر گل بزند. سوارس شماره ۹ استو مسی در اطراف او بازی می‌کند، نمی‌توان گفت این پست مسی است چون به نظر من مسی هرجا که بخواهد بازی می‌کند و در زمین آزادی دارد.

### شباهت دی‌بروین و بکام: ارسال‌های دقیق

گری نویل

منچسترسیتی موفق شد لیورپول را در اتحاد شکست دهد و در این بازی کوین دی بروین یکی از بازیکنانی میدان بود که عملکردی ویژه داشت. از نظر من عملکرد او در لیگ برتر انگلیس قابل مقایسه با دیوید بکام است.

کوین دی بروین کیفیت بازی فوق‌العاده‌ای دارد، واقعا خوب کار می‌کند. خود من تجربه بازی در کنار بازیکنی که ارسال‌های عالی انجام می‌دهد را دارم و با کسی بازی کردم که از نظر دقت بهترین پاس‌ها را ارسال می‌کرده است. منظورم هم تیمی سابقم در منچستریونایتد، دیوید بکام است. حالا هم کوین دی بروین مرا یاد او می‌اندازد.

او بازیکنی بادقت و منظم است و همه ارسال‌هایی که انجام می‌دهد درست در همان منطقه‌ای که خودش می‌خواهد فرود می‌آید. انگار که از او درخواست کرده‌اند و او هم دقیقا می‌داند باید چکار کند.

همه ما بارها ارسال‌های بازیکنان متفاوت را دیده‌ایم و دیده‌ایم که هدف بیشتر آن‌ها هم این است که توپ را به منطقه‌ای که خودشان می‌خواهند که عمدتا هم داخل محوطه جریمه است برسانند. اما دی بروین در این زمین تخصص دارد و به اندازه‌ای دقیق این کار را انجام می‌دهد که فکر می کنم حتی می‌تواند بازیکنی که می‌خواهد توپ را برای او ارسال کند را هم انتخاب می‌کند.

دیوید بکام دقیقا همین طور بود. تماشای بازی‌اش همیشه لذت‌بخش بود. در دیدار مقابل لیورپول هرچه بازیکنان قرمزپوش بد کار کردند، بازی دی بروین تماشایی بود و بارها توانست در یک سوم زمین حریف آن‌ها را آزار داده و خط دفاعی را به هم بریزد.

او همچنین پاس گل اول بازی را به آگوئرو داد و در صحنه گل گابریل ژسوس هم ارسالی دقیق داشت. با درخشش او بود که منچسترسیتی نیمه دوم به دور از استرسی را پشت سر گذاشت.

او در بازی مقابل لیورپول بهترین بازیکن میدان شد. ۲ پاس گل داد، ۳ موقعیت گل ایجاد کرد و بیشتر از هر بازیکنی در لیگ برتر پاس گل داده است.

# والورده، سرمربی هنرمند کاتالانی‌ها

لوئیز فرناندو روخو

نیمار ترکش کرد، نتوانست اینیگو مارتینز را بخرد، در سوپرکاپ اروپا مقابل رئال مادرید شکست خورد، اما بارسلونا هنوز هم سرپاست و این جادوی ارنستو والورده است.

جدا از این او کاری کرده که بحران مدیریتی باشگاه هیچ راهی به داخل رختکن و ترکیب تیم پیدا نکند و تیمش به دور از حاشیه‌ها به کارش ادامه دهد. البته خود سرمربی این تیم هم هرگز فکر نمی‌کرد که چنین استقبال بدی از او بشود و اوضاع برایش انقدر پیچیده شود، آن هم در شروع کارش در تیمی بزرگ. اما با تجربه‌ای که داشت شرایط را مدیریت کرد.

نکته ویژه دیگر او رابطه فوق‌العاده‌ای است که با مطبوعات و رسانه‌ها دارد. در چهره سرمربی سابق بیلبائو آرامشی دیده می‌شود که او توانسته آن را به بازیکنان و ترکیب تیمش هم منتقل کند.

همه لازمه‌های موفقیت توسط او در تیم ایجاد شده است. نمونه‌اش هم این است که توانسته کاری کند تا بازیکنانی مانند مسی، اینیستا، آلبا، سمدو، راکیتیچ و ... بهترین بازی‌هایشان را در تیم او ارائه دهند.

اما این همه نکات قوت سرمربی تازه وارد آبی و اناری‌ها نیست. باقی‌اش را در زیر معرفی می‌کنم:

او بعد از عملکرد ناامید کننده بارسلونا در بازار نقل و انتقالاتی توانسته تیمش را رقابتی بسازد. در واقع به پاسخی که در سوال خبرنگار درباره ناتوانی بارسا در خرید بازیکن داده بود عمل کرد:«صبور هستیم و صبور خواهیم ماند». مسی در تیم او آزاد است. برای هر مربی‌ای سخت است که بتواند با مسی رو به رو شود و والورده توانسته به خوبی این موضوع را مدیریت کند. نتیجه‌اش هم این شده که ستاره آرژانتینی در تیم او ۸ گل زده و ۶ بار تیر دروازه حریفان را به لرزه در آورده است.

او همچنین به راکیتیچ هم اعتماد کرد. ایوان راکیتیچ بازیکنی بود که در دوران مربی‌گری انریکه در بارسلونا زندگی برایش سخت شده بود. اما حالا اعتماد به نفس را دوباره به دست آورده و پاسخ اعتماد سرمربی را هم داده است.

والورده همچنین بهترین بازیکنان را در ترکیب جای می‌دهد و این باعث شده هر بار بازیکنی را به زمین می‌فرستد هواداران هم به او ایمان داشته باشند و بدانند که حتما این بازیکن توانایی ویژه‌ای داشته که در تیم قرار گرفته است.

هنر دیگر والورده تبدیل کردن آلبا به یک وینگر است. از زمان جدایی نیمار از این تیم او به خوبی توانسته از سمت چپ نفوذهایی داشته باشد و پاس گل‌های بیشتری نسبت به فصل قبل داده است.

و در نهایت یکی از دستاوردهای والورده کار بیشتر با توپ است، یعنی بارسا با مربی‌گری او به فلسفه اصلی‌اش بازگشته و این چیزی است که هواداران دوست دارند.

# رویای مادریدی لوا: چراغ سبز به برنابئو

گیوم بلگه

روبرت لواندوفسکی دوست دارد در آینده‌ای نزدیک بازیکن رئال مادرید شود. مهاجم لهستانی چندی پیش گفته بود بایرن مونیخ نیاز به خرید بازیکن دارد تا در ترکیبش رقابت برای قرار گرفتن در ترکیب اصلی صورت گیرد. مخصوصا در پستی که او بازی می‌کند هیچ رقابتی در بایرن وجود ندارد و به همین دلیل از مدیر برنامه‌هایش خواسته تا زمینه را برای انتقال او به رئال فراهم کند.

همان طور که رومنیگه گفته بود مدیر برنامه‌های این بازیکن هم خیلی زود دست به کار شد و ساده‌ترین کار هم این است که در مصاحبه‌ای رسانه‌ای مثلا بگوید روبرت می‌خواهد روزی پوشیدن پیراهن رئال را تجربه کند. خود لواندوفسکی هم حرفش را در زمین بازی و با عملکردش می‌زند و در نتیجه تنها می‌ماند تمایل رئال برای داشتن او. تکمیل کننده این سناریو هم می‌تواند بازی درخشان این بازیکن لهستانی در دیدار بایرن مقابل رئال مادرید یا بارسلونا در لیگ قهرمانان اروپا باشد.

مشکلی که سر راه مهاجم بایرن قرار دارد این است که سانتیاگو برنابئو به سختی زیر بار خرید بازیکنی با سن بالای ۳۰ سال می‌رود و به این دلیل است که شاید درخشش این بازیکن در لیگ قهرمانان و بازی مقابل تیم‌های اسپانیایی هم به چشم سران رئال نیاید. همچنین رئال بازیکنی از بوندسلیگا را زیر نظر دارد که البته این بازیکن لواندوفسکی نیست و تیمو ورنر، ستاره ۲۱ ساله لایپزیگ است. این یعنی بدشانسی برای لواندوفسکی که از زمان بازی در دورتموند و حتی حالا که برای بایرن بازی می‌کند این را پنهان نکرده که هوادار رئال است و از بچگی این تیم را در فلبش داشته است.

نکته دیگر این است که فصل گذشته هم رونالدو و هم راموس گفتند اگر او به رئال بیاید با آغوش باز پذیرایش هستند. اما او خیلی زود و در آغاز فصل نقل و انتقالات تابستانی فهمید که رئال به دنبال جذب کیلیان امباپه است و قرار نیست هیچ تلاشی برای جذب او صورت گیرد.

از طرفی میل به جدایی او با آمدن کارلو آنچلوتی به بایرن کمتر شده و او معتقد است با سرمربی ایتالیایی تیمش شانسی برای موفقیت در اروپا ندارد. به هر حال این احتمال زیاد است که لواندوفسکی در از بایرن مونیخ جدا شده و به تیمی برود که به نظر خودش شانس بهتری برای رقابت در اروپا داشته باشد، اما چیزی که واضح است این است که او باید حداقل تا تابستان در تیم مونیخی بماند.

# دغدغه زیدان: اعتماد به نفس کاذب

خوزه فلیکس دیاز

– روند کاری زین‌الدین زیدان و اعضای کادر فنی‌اش تغییر نکرده و از این بابت نگرانی‌ای وجود ندارد، اما درباره انگیزه تیمش و تشنه بودن بازیکنان برای رسیدن دوباره به موفقیت نگرانی‌هایی وجود دارد. سفیدپوشان دو مساوی پشت سر هم داشتند و در هفته سوم مسابقات لالیگا ۴ امتیاز از بارسا عقب افتادند.

خوشبختانه خود سرمربی فرانسوی خیلی زود مشکل تیمش را فهمید و آن را به بازیکنانش گوشزد کرد. اولین نکته‌ای که زیدان گفت درباره شروع نامناسب تیمش بود و معتقد است نباید در باد موفقیت‌های اخیر بخوابند و هشدار داد که نباید درگیر رویاهایشان باشند. او یک بار دیگر وقتی رونالدو، سرخیو راموس و لوکا مودریچ در موناکو به عنوان بهترین‌ها انتخاب شده بودند هم این را گفت.

زیدان مربی‌ای است که دوست ندارد سیستم کارش شناخته شده باشد و به همین دلیل به بازیکنان تیمش هشدار داده است، آن هم به محض این که متوجه شده تیمش تضعیف شده است. حالا اما همه توجهات روی او و تیمش است، مخصوصا بعد از موفقیت در لیگ قهرمانان و دو قهرمانی اخیر در سوپرکاپ‌های اسپانیا و اروپا.

زیدان معتقد است در ۳ بازی اخیر تیمش در لیگ، مخصوصا در آخرین بازی مقابل لوانته، بازیکنانش اشتباهات فصل گذشته را تکرار کردند، اشتباهاتی که منجر به چند تساوی پشت سر هم شد. او که از از دست دادن ۴ امتیاز توسط تیمش عصبانی بود گفت تیمش با اعتماد به نفس بیش از اندازه بازی می‌کند.

گلی که بازیکن لوانته به آن‌ها زده بود او را بیش از اندازه عصبانی کرده بود، از دفاع ضعیفشان روی پرتاب توپ تا اجازه دادن به مهاجم حریف که در محوطه جریمه‌شان موقعیت پیدا کند و دروازه‌شان را باز کند.

او همان زیدان فصول قبل است، تغییری نکرده است، فلسفه‌اش هم تغییر نکرده است، سیستم چرخشی ادامه دارد و تاکتیک‌هایش هم مانند قبل است. اما این را هم می‌داند که باید بازیکنانش را تشویق کند و به آن‌ها طوری انگیزه بدهد که برای به دست آوردن دوباره جام بجنگند.

مطمئنا رئال باز هم امتیاز از دست خواهد داد و حتی این احتمال وجود دارد در بازی مقابل بارسلونا، رقیب مستقیمشان، شکست بخورند و زیدان به همین دلیل از حالا نگران امتیازات از دست رفته است.

# نیمار: خروج از سایه مسی و رونالدو

حمیدرضا صدر

زندگی یک بازیکن فوتبال چنان کوتاه است که نمی توان به انتظارات طولانی دل بست. نمی توان زمان را از کف داد. نمی توان فصل های به سرعت سپری شده را بیهوده شمرد. بنابراین سفر بزرگ نیمار از همین هفته آغاز شده، از همین جا. سفری در لیگ قهرمانان با پیراهن پاری سن ژرمن... دورخیزی برای فتح قهرمانی اروپا و همین طور دورخیزی برای بنا نهادن امپراطوری خودش. دور از قلمرو لیونل مسی، دور از سیطره کریستیانو رونالدو. جایی متعلق به خودش، فقط خودش. او دو سال پیش در سه گانه بارسا نقش خودش را جانانه بازی کرد. یکی از سه تفنگدار بارسا بود. در لیگ قهرمانان فصل پیش هم جادویی ظاهر شد. در دیدار در زمانی که لیونل محو شده بود، سه گل از دقیقه ۸۸ به بعد زد و یک تنه بارسا را برابر پاری سن ژرمن در لیگ قهرمانان پس از شکست چهار گله به پیروزی رساند، پیروزی ۱-۶ بدون او و کسب نمی شد. ستاره آن نبرد نامتعارف او بود؛ ولی احساس نکرد "مرد اول" بوده. بازی را برده بود؛ ولی قهرمان دیدار کسی نبود که بارسای این عصر را با او تعریف کرده اند: با لیونل مسی. پسر ظریف شسته رفته آرایش کرده برزیلی در چهار سال بازی در نوکمپ آبدیده شده. پسر ظریف شعبده باز اوج گرفته و بالا رفته، ولی شماره یک نشده، نه نشده. نتوانسته از سایه لیونل بدرآید، نه نتوانسته. حتی اگر مسی نوکمپ را هم ترک کند بعدی ها کماکان با او مقایسه خواهند شد. مسی ورای افسانه ها رفته و نمی توان با افسانه ها جنگید. سایه مسی چنان بلند شده که تا سال ها همه آبی اناری ها را در خود جای خواهد داد. ولی مگر نمی گویند آدمی ساخته‌ی افکار خویش است و فردا همان خواهد شد که امروز می‌اندیشید؟

مربی اش موریسی رامالیو در سانتوز پیش بینی کرده بود نیمار تا ۲۰۱۴ بهترین بازیکن جهان خواهد شد. سه سال سپری شده و زمان پرواز فرا رسیده بود. نیمار جایی رفته که کمپانی "قطر اسپورتس اینوستمنتس" پاری سن ژرمن را به چنگ آورده، شیخ تمیم بن حامد ال تهانی امیر قطر دست به جیب ایستاده، امیری با چاه ها نفتی که کشورش بیشترین درآمد ناخالص سالانه جهان را دارد و پاری سن ژرمن را تا یک چهارم لیگ قهرمانان بالا کشیده. امیری که رکورد خرید جابه جایی بازیکنان فوتبال را با نیمار دو برابر کرده، کیلیلان امپاپه را با ۱۶۶ میلیون پوند از چنگ رئال درآورده و اعتنایی با قوانین بازی ملی جوانمردانه نکرده... امیری که وقتی نیمار و امباپه و همین طور کاوانی دروازه متز را گشودند، چشم ها را خیره کرده. ریخت و پاش مالی پاری سن ژرمن نه فقط رئال و بارسا را مات کرد، بلکه غول های لیگ برتر انگلیس و همین طور بایرن مونیخ و یوونتوس را هم پشت سر گذاشت. ولی مگر چلسی با همین قاعده تیم باشگاه بزرگ نشد و مگر منچستر سیتی با همان دلارهای نفتی پرواز نکرد؟

در این دوران - خوب یا بد- جایگاه و ارزش بازیکنان را با قیمت شان تبیین می کنند، برخلاف روزگاری که تعداد جام ها و مدال ها و همین طور وفاداری معیارهای اصلی بودند. حالا نام و برند معجون دیگری ساخته. نیمار شده گران ترن بازیکن تاریخ و پاریسی ها انتقال شاهانه شان را به رخ کشیده اند. اولین بازی نیمار با پیراهن پاری سن ژرمن برابر گنگان در صد و هشتاد و سه کشور به صورت زنده پخش شد. او راهی پاریس شده. راهی جایی که می خواهد تاج سلطنت را از کریستانو رونالدو سی و دو ساله و لیونل مسی سی ساله گرفته و بر سر خودش بگذارد. نشریه اقتصادی فوربس او را یکی از صد شخصیت تاثیرگذار سال برگزیده، نیمار پیش از انتقال به پاریس هم پس از رونالدو و مسی پردرآمدترین بازیکن جهان بود و خارج از میدان فوتبال درآمد بیشتری در مقایسه با دستمزدش کسب می کرد. چنان که در هفده سالگی اش قرار داد بلندمدتی را با "نایکی"امضا کرد. در اینستاگرام هشتاد میلیون شیفته دارد، شصت میلیون در صفحه فیس بوک او را دنبال می کنند و شصت میلیون پیام های او را در توییتر می خوانند. آن هم با جمله ها و عکس ها و حرف های زمینی. برخلاف رونالدو که عجیب و غیر منتظره ظاهر می شود و نه بسان مسی که آمیخته به بی میلی، خودی نشان می دهد. او را با کمک های مالی دائمی اش به کلیسای مسیحی می شناسند و انجام بازی های خیریه برای مستمندان.

ولی همه اینها برتافته از نمایش در میدان خواهند بود. نیمار برای حفظ کیفیت جسمی اش ریکاردو رزا و رافائل مارتینی بدنسازان شخصی اش را از بارسلونا راهی پاریس کرده. همین طور مارسلا لرمی آشپز برزیلی اش را. وقتی او راهی کاتالونیا شد شصت و چهار کیلو وزن داشت و اکنون هفتاد کیلو شده بی آن که دو خصیصه ویژه اش را از دست بدهد: سرعت و چابکی اش را. دستگاه های بدنسازی در خانه اش هم بنا شده اند و تمرین کرده و تمرین. او در چنین قابی در هر چهار فصل حضورش در بارسا بیش از چهل بار به میدان رفت در حالی که طی دو فصل اول نزدیک سه ماه را با مصدومیت سپری کرد. متوسط بازی او برای بارسا ۴۶/۵ بوده، نزدیک به ۵۱ بازی مسی و ۴۸/۷۵ بازی رونالدو در همان دوره. خیلی از طرفداران بارسا از رفتن نیمار دلگیر شده اند، همین طور شیفتگان فوتبال اسپانیا، ولی نیمار فردا را برگزیده. راهی پاری سن ژرمن شده تا مرد شماره یک شود... تا پسر شماره دو ازلی باقی نماند. تیم های بزرگ ده ها "پسر خوب شماره دو" داشته اند؛ ولی نیمار بیست و پنج ساله است و در فوریه بیست و شش ساله خواهد شد. بنابراین زمان انجام یک حرکت بزرگ فرا رسیده بود، زمان دل کندن از بارسلونا، از اسپانیا. همه چیز برای پرواز بلند مهیا بود: دستمزد دو برابر شده اش، برپایی جام جهانی در پایان فصل و در کنار همه اینها شهر و رسانه ها و تیمی در خدمت او. به پای او و نه در چنگ مسی و رونالدو و لالیگا... نیمار می‌خواهد شماره یک باشد و انجام چنین ماموریتی در یک تیم درجه دو اروپایی در مقایسه با رئال و بارسا یا یووه و بایرن دشوار است و به نمایشی از نوع نمایش مارادونا در ناپولی نیاز دارد، ولی او ادعا کرده آماده چالش بزرگ شده، آماده جنگ بزرگ. شاید نیمار ناکام بماند، ولی مگر اثرگذاران جهان همان هایی نبوده اند که گاه و بیگاه برخلاف جریان آب شنا کرده اند؟